

شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷

• پروانه متقی
کارشناس کتابداری و اطلاع‌رسانی
کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران

کرده و به آدرس روزنامه می‌فرستد. بعد از سال ۱۳۱۸، مقاله‌ای را جمع به چتر نجات ترجمه می‌کند که در روزنامه اطلاعات چاپ می‌شود. در همان سال برای مجله راهنمای زندگی قصه و سرگرمی‌هایی برای کودکان ترجمه می‌کند. بعد به ترجمه و خبرنگاری برای روزنامه مهر ایران می‌پردازد، روزنامه‌ای که چند سال بعد به سردبیری آن منسوب می‌شود. پس از اتمام جنگ جهانی دوم در سمت خبرنگار مهر ایران به کنفرانس صلح در پاریس رفته و با اتمام کنفرانس عازم انگلستان می‌شود و در مدرسه روزنامه نگاری لندن ثبت نام می‌کند و درصدد آموختن نحوه تهیه آرشيو مطبوعات برمی‌آید و فیش نویسی به قصد آرشيو مطبوعاتی را آغاز می‌کند که در سال چاپ این کتاب (سال ۱۳۷۱) بیش از هشت هزار فیش دارد و کتاب شناسنامه مطبوعات ایران مستخرج از قسمتی از آنهاست.

وی برای تکمیل تدریجی آرشيو مطبوعاتی‌اش به غیر از کتابخانه‌های ایران به کتابخانه‌های لندن، پاریس، واشنگتن و هند می‌رود. او هنرادرز زمینه مطبوعات ایران بسیار غنی می‌یابد و علاوه بر مرکز مربوطه در بمبئی، دهلی، کلکته و دانشگاه‌های مختلف، حتی در کتابخانه یک مدرسه (مسجد) مسلمان در شهر مدراس موسوم به مدرسه محمدی تعداد زیادی روزنامه فارسی می‌بیند که نام همه را در این شناسنامه گردآورده است. نخستین کتاب او درباره مطبوعات در سال ۱۳۴۳ به چاپ رسید و مطبوعات ایران نام داشت. آثار دیگر او در زمینه مطبوعات عبارت است از:

- سیری در مطبوعات ایران (۱۳۵۴)
- فرهنگ اصطلاحات روزنامه‌نگاری فارسی (۱۳۶۳)
- تجزیه و تحلیل آماری مطبوعات ایران (۱۳۵۷/۱۳۵۸)
- رساله مطبوعات غیر فارسی در ایران (۱۳۶۶)
- مطبوعات ایران در نخستین سال انقلاب اسلامی ۱۳۵۷/۵۸
- وی آثاری نیز در موضوعات متفرقه دارد که تعدادی از آنها درباره هند است.



■ مسعود برزین. شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷، تهران: بهجت، ۱۳۷۱، نوزده + ۵۶۲ صفحه، وزیری.

کتاب حاضر به معرفی ۶۰۰۰ نشریه که در سال‌های ۱۲۱۵ تا ۱۳۵۷، به زبان‌های مختلف در ایران یا خارج از کشور به دست ایرانیان منتشر گردیده است، می‌پردازد.

مسعود برزین در مقدمه کتاب شیوه‌آشنایی خود را با مطبوعات بیان می‌کند. وی در سال ۱۳۱۱، هنگامی که کلاس پنجم ابتدایی بوده است با درست کردن یک روزنامه دیواری بی‌نام به دنیای مطبوعات وارد می‌شود. چهار پنج سال بعد در کالج اصفهان (دبیرستان ادب) در یک فصلنامه مقاله‌ای درباره راه آهن می‌نویسد و چندی بعد برای روزنامه اطلاعات جدول کلمات متقاطع طراحی

مؤلف در مقدمه به قوانین مطبوعات، که در سال های ۱۲۸۵، ۱۳۳۱ و ۱۳۳۴ اشاره می کند که مطلب او در ادامه، در چاپ افتادگی دارد. سپس به اختصار به بررسی سانسور، تیراژ، تکفروشی و اشتراک سالانه در مطبوعات ایران می پردازد.

روش

در این کتاب در شناسایی هر یک از نشریات ویژگی های زیر لحاظ شده است:

نام

شیوه تنظیم این فهرست بر حسب الفبایی نام نشریه است. نام نشریه با حروف سیاه آمده است. در عناوین نشریات و نحوه تنظیم آنها چند نکته زیر قابل ذکر است:

– در تنظیم الفبایی، چنانکه معمول است (ال) را در ابتدای عنوان نباید در نظر گرفت، اما در این کتاب به این قاعده توجه نشده است و عنوان هایی مانند البدر المنیر یا البشارت یا الفکر الاسلامی که باید در ردیف الفبایی (ب) و (ف) بیابند در حرف الف آمده اند. همین طور الجناب یا الجمال که باید در حرف (ج) جای گیرند.

– عنوان برخی نشریات مانند نامه درمان یا «نامه انجمن کتابداران ایران»، به صورت درمان، نامه و یا «انجمن کتابداران ایران، نامه» آمده است اما از نامه درمان ارجاعی به این نام داده نشده است. این وارونه سازی تنها در مورد نام برخی از نشریات انجام شده و در مورد همه نشریاتی که نام آنها با کلمه «نامه» شروع شده چنین کاری انجام نشده است، مانند: نامه مردم، نامه وطن.

– در ردیف (ن) می بینیم که نام برخی نشریات به همراه کلمه نشریه آمده است که به نظر می رسد می بایست بدون ذکر نام نشریه و در ردیف الفبایی مربوطه می آمد، مانند: نشریه فنی گمرک، نشریه کتابخانه، نشریه مالیات.

از دو نشریه اول ارجاعی هم وجود ندارد و نشریه سوم در مالیات نیز با همان توضیحات آمده است.

– به نام دیگر نشریه نیز اشاره می شود، برای نمونه: «دوره دوم زیر عنوان...».

– گاهی درباره نام نشریه توضیحی داده شده است، برای نمونه درباره نشریه ناواسار دگفته شده است که «عنوان آن نام اولین ماه در تقویم باستانی ارامنه است.»

برزین هم چنین در دهه ۴۰ و نیمه اول دهه ۵۰ در چندین دوره آموزش روزنامه نگاری که از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی آن زمان و هم چنین روزنامه اطلاعات ترتیب یافته بود، به تدریس روزنامه نویسی و خبرنگاری پرداخته و به مدت پنج سال نیز در دانشگاه تهران مدرس روزنامه نگاری و روابط عمومی بوده است.

فهرست مطبوعات در ایران

مؤلف در مقدمه به سیر تاریخی فهرست مطبوعات در ایران اشاره می کند: نخستین بار محمد علی تربیت، مدیر مجله معارف، در صدر مشروطیت، با انتشار کتاب خود به نام ورقی از تاریخ مطبوعات ایران، شالوده فهرست مطبوعات ایران را پی می ریزد و در این کتاب ۳۷۱ نشریه ایرانی را معرفی می کند.

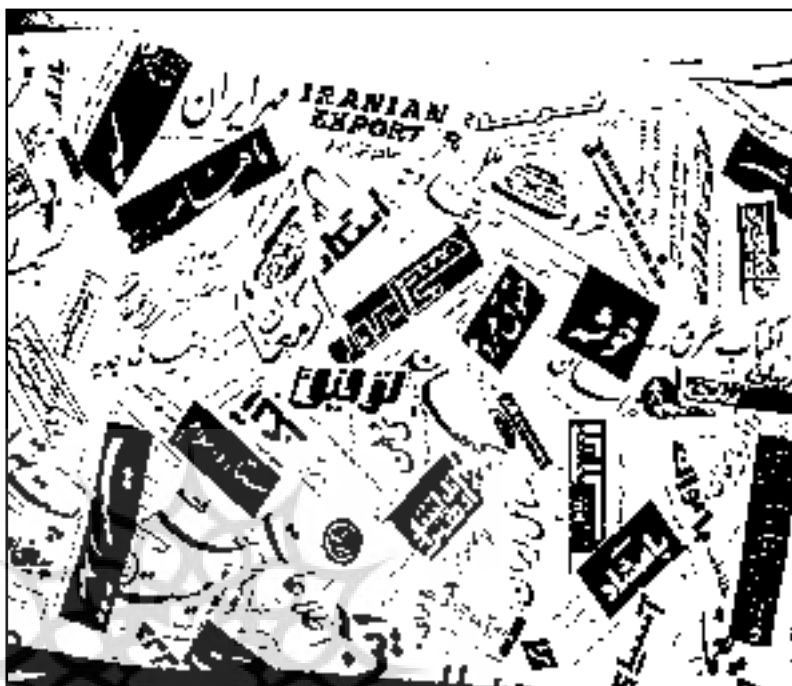
بعد از آن در سال های ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ چهار جلد کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران تألیف محمد صدر هاشمی منتشر می شود که در آن به تاریخ مطبوعات ایران پرداخته شده و از بیش از ۱۱۸۶ روزنامه و مجله (تا سال ۱۳۲۰) نام برده شده است. پس از آن در سال ۱۳۵۱ کتاب چهره مطبوعات معاصر از غلامحسین صالحیار انتشار یافت که از نظر تعداد عنوان حائز اهمیت است. این کتاب در نوع خود بسیار نو و بدیع بوده است و مطالب آن قابل اعتماد و استناد است. در این کتاب علاوه بر ۳۰۶ عنوان روزنامه و مجله در حال انتشار، فهرستی با عنوان «نشریات ایران در سال های ۱۳۲۰-۱۳۵۱» که دیگر منتشر نمی شوند» شامل ۵۰۳۸ عنوان آمده که برای تدوین تاریخ مطبوعات ایران بسیار شایان توجه است.

برزین در انتهای کتاب خود، با عنوان پیوست شماره ۲، اسامی ۳۰۰۰ نشریه را از این فهرست (که هیچ اطلاعی از آنها نیافته است) آورده است تا کار او که ارائه شناسنامه مطبوعات ایران است تکمیل شود و امکان جست و جو و شناسایی این نشریات را در آینده فراهم کند. نام این نشریات با نام سردبیر و محل نشر ذکر شده است.

برخی از این نشریات عبارت اند از:

آئین ایرانیان، ابجد، بابا طاهر، پابرجا، تئاتر اصفهان، تدبیر، ثابت قدم، جا، چاپ تابان، حاجی فیروز، خادم ایران، دادرسی ملت، ذوالفقار ایران، راد آذر، زاریا، ژرفا، سؤال و جواب، شتون ما، صائب، ضحاک، طالش، ظفر ایران، عالم پزشکی، غرش، فاخته، قائد ما، کارآگاه، گردونه، لات، ماد، ناخدای امروز، واقف، هجوم ملت، یادداشت.

اساسی ترین امتیاز این کتاب آن است که به صورتی جامع و کامل مطالب و موضوعاتی را که در زمینه گزارشگری مورد استناد و ارجاع قرار می‌گیرد در خود جای داده است و می‌تواند به عنوان کتابی مرجع در این زمینه قلمداد شود



قضایی، قوانین مصور، کشاورزی، کودکان، مدیریت و امور مالی، معماری، نظامی، نقشه‌برداری، نیمه فکاهی، ورزشی، هنری. گاهی نیز به جای استفاده از یکی از انواع فوق، زمینه موضوعی نشریه به صورت عبارتی‌هایی نشان داده شده است: برای مثال مجله شکار و طبیعت با عبارت «ویژه شکار و شکارچیان» و مجله بیطاری با عبارت «ویژه بهداشت حیوانات» توصیف شده است، حال آنکه در بالا نوع «دامپروری و دامپزشکی» نیز دیده می‌شود. یا فصلنامه دستاورد که با عبارت «برای حفظ ارتباط با صنعتگران و هنرمندان هنرهای دستی معرفی شده است. گاه نیز این عبارات فقط تکرار عنوان است و چندان راهگشا نیست،

برای نمونه:

پیک جوانان: مجله مخصوص جوانان؛

پیک معلم و خانواده: مجله ویژه آموزگاران، دبیران و والدین؛

شطرنج دانشگاه: «درباره علم بازی شطرنج»؛

در این قسمت زمینه موضوعی برخی نشریات به درستی آورده نشده است، مانند نشریه کتابداری کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران که با عبارت «راهنمای کتاب‌های منتشر شده» توصیف شده که درست نیست و این نشریه در زمینه علم کتابداری است.

هم‌چنین یا نشریه دانشکده الهیات و معارف اسلامی که با

معمولاً از نام دوم نشریات ارجاع داده شده است، مانند روزنامه ملی سلام که به سلام ارجاع داده شده است، اما از بهارستان نوبخت نام دیگر بهارستان ارجاعی وجود ندارد یا از بدیع امروز نام دیگر نشریه بدیع، که بهتر بود این اسامی در ردیف الفبایی ذکر می‌شدند. نام لاتین نشریات خارجی، از جمله نشریات ارمنی، و برخی نشریات فارسی که دارای نام لاتین نیز بودند، مانند نشریه کانون مهندسين ایران؛ نامه انجمن کتابداران ایران به صورت پانویس در پایان فصل مربوط به هر حرف آمده است، حال آنکه بهتر بود این اسامی در کنار نام فارسی نشریه در داخل پرانتز ذکر می‌شد.

نوع نشریه

بلافاصله پس از نام، نوع نشریه مشخص شده است، برای این کار از یک یا چند کلمه زیر استفاده شده است:

آماری، آموزشی، اجتماعی، اخلاقی، ادبی، اقتصادی، انتقادی، ایدئولوژیک، ایمنی، بهداشت و زیبایی، بهداشتی، پرورشی، پزشکی، پژوهشی، تاریخی، تبلیغاتی، تجارتي، تحقیقی، تخصصی، تربیتی، تئوریک، ثبتی، جراحی، حزبی، حسابداری و حسابرسی، حقوقی، خانواده، خانه‌داری، خبری، خدمات اجتماعی، دامپروری و دامپزشکی، دولتی، دینی، ساختمانی و شهرسازی، سرگرمی، سیاسی، سینمایی، صحتی، صنعتی، صنفی، طبی، علمی، عمومی، فرهنگی، فکاهی، فنی،



امید است با فهرست نویسی همه نشریات موجود در کتابخانه‌های تهران و شهرستان‌ها که برخی از آنها تک شماره هستند و یا تنها یکی دو نسخه از آنها در دست است و نیز همکاری بیشتر مسئولان کتابخانه‌ها و آرشیوهای بزرگ مطبوعاتی و دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی جهان که دارای مجموعه‌ای از مطبوعات ایران هستند امکان دسترسی به کلیه مدارک پیش از انقلاب اسلامی به زودی فراهم گردد

عبارت «فصلنامه درباره معارف اسلامی» معرفی شده است. علاوه بر نوع نشریه ویژگی فکری و کیفی مطالب نشریه نیز توصیف می‌شود، با واژه‌هایی مانند: تندرو (آروات)، ارتجاعی (اخوت)، فلسفی (اخلاق)، تندرو (آتش)، سیاسی و تئوریک (آذربایجان)، چپ‌نما (ایران ما)، مشروطه‌خواه (آزاد)، طرفدار رنجبران و اتحادیه‌های کارگران (حقیقت)، طرفدار جنبش کارگری.

نوع چاپ

به نوع چاپ نشریه، مانند چاپ سنگی (آئینه سکندر)، چاپ ژلاتینی (لسان الغیب)، چاپ سربی (انجمن ملی ولایتی گیلان) اشاره می‌شود.

فاصله انتشار

زمان انتشار نشریه، چنانکه معمول است با واژه‌هایی مانند: روزنامه، دو شماره در هفته (دو هفتگی)، دو شماره در ماه، دو هفته‌نامه، سه شماره در هفته، چهار شماره در هفته، روزنامه، فصلنامه، ماهانه، ماهنامه، هفته‌نامه (هفتگی) مشخص می‌شود. اما از قاعده واحدی برای این کار پیروی نشده است، مثلاً گاه «مجله ماهانه» و گاه «ماهنامه» یا «روزنامه» و «نشریه روزانه» به کار رفته است.

زبان

در این فهرست زبان همه نشریاتی که در ایران به چاپ می‌رسیده مورد نظر بوده است، اعم از نشریاتی که به زبان‌های مختلف آذری، آشوری، آلمانی، اردو، ارمنی، انگلیسی، روسی، عربی، فارسی، فرانسوی، کردی، کلدانی و لهستانی منتشر می‌شده است.

موضع و ارگان

وابستگی سازمانی نشریه بیان می‌گردد:

ارگان انجمن اتحاد (الف)

ارگان جمعیت ملایریها (در بند)

از انتشارات وزارت مالیه (نشریه مالیات)

عضو جبهه مطبوعات متفق (دنیا)

نام صاحب امتیاز، مدیر و سردبیر و ناشر و تغییر آنها:

علاوه بر نام این افراد، برزین نام برخی از سردبیرانی را که نام آنها در نشریه چاپ نشده، اما او با آنها آشنایی داشته آورده است. در این قسمت گاه نقش افراد ذکر می‌شود و گاه اسامی افراد

بدون ذکر نقش، به دنبال هم می‌آید، برای نمونه: دخترها و پسرها: «مجله هنری هفتگی. محمدعلی مسعودی. خسرو شریف پور با همکاری صفی...»

هم چنین درباره این افراد به ندرت توضیحی داده شده است، برای نمونه در معرفی نشریه بلدالامین درباره میرزا محمدصادق گفته شده است که خبرهای انجمن بلدیة را هم منتشر کرده است.

به تغییر نام این افراد نیز اشاره می‌شود، برای نمونه «انتقال امتیاز از پدر به پسر و تغییر مشی»؛

اسامی خانم‌ها نیز همه جا با ذکر واژه «بانو» آمده است که معمول نیست. جالب اینکه این واژه در فهرست اعلام نیز بر سر اسامی آمده است.

ویژگی نشریه

در این شناسنامه به امتیاز خاص یا ویژگی مهم نشریه به کوتاهی اشاره شده است، مانند:

سال‌های اول و آخر انتشار

نخستین سال و آخرین سال انتشار نشریه با خط جداکننده/ در کنار یکدیگر، به دو یا سه صورت شمسی، قمری و میلادی آمده است. تا سال ۱۳۰۰ شمسی، سه تاریخ شمسی، قمری و میلادی را شناسنامه‌ها آمده است و پس از آن فقط شمسی و میلادی را می‌بینیم. بنا بر گفته برزین در مقدمه کتاب علت افزودن سال شمسی برای پس از سال ۱۳۰۰ ش. تسهیل روند زمان در ذهن خواننده است، زیرا مطبوعات تا سال ۱۳۰۰ ش. دارای تاریخ قمری و گاه میلادی و حتی یزدگردی هم بودند. برای تطبیق سال‌ها از جداول تطبیقی سنوات تالیف و ستفلا و مالرشه چاپ و پسادان (۱۹۶۱) به زبان آلمانی استفاده شده است.

اگر نشریه تا سال ۱۳۵۶ ش (سال نهایی این پژوهش) هنوز منتشر می‌شده گرد آورنده با جمله «ادامه دارد» به آن اشاره کرده است.

اسامی کتاب‌هایی که نام نشریه در آنها ثبت شده است:

این منابع با نشانه‌های اختصاری که در پیوست کتاب فهرست مشروح آنها آمده است نقل می‌شود.

گاه علامت اختصاری رک (رجوع کنید) دوبار دیده می‌شود. بار اول برای مراجعه به روزنامه و مجله‌ای دیگر است که به نحوی با شناسنامه مربوط می‌شود. بار دوم که با حروف درشت‌تر مشخص شده است و آخرین قسمت هر شناسنامه است که برای مراجعه به کتب و منابعی است که از آن نشریه نام برده‌اند.

در صفحه هیجده کتاب راهنمای اختصارات برای عناوین کتاب‌هایی که نام روزنامه یا مجله در آنها آمده، آورده شده است. برخی از این کتب عبارت‌اند از: تاریخ جراید و مجلات ایران، تاریخ مطبوعات کرمان، چهره مطبوعات معاصر.

علاوه بر این برزین نام برخی نشریات را براساس شنیده‌هایش می‌آورد، مانند:

«لحاف کرسی: شنیده‌ام که نشریه‌ای فکاهی/سیاسی با این عنوان زمان کوتاهی بین سال‌های ... در تهران منتشر می‌شده است.»

هم چنین درباره برخی نشریات می‌نویسد: «معلوم نیست که منتشر شده باشد، مانند نشریه آبادان نو.»

اگر نشریه نام برده شده را مؤلف ندیده باشد در انتها کلمه «ندیده‌ام» را می‌آورد مانند: نشریه مصور

برخی از مشخصات مانند نشانی دفتر نشریه، بهای تکفروشی، بهای اشتراک، تعداد صفحات و قطع در این شناسنامه نیامده است. برزین درباره دیگر مشخصات نشریات در مقدمه توضیح می‌دهد که

– ایران ما: «از پرنفوذترین مطبوعات دوران خود».
– بشر: «تنها نشریه هفتگی دست‌چپ که خبرنگار به کنفرانس صلح پاریس (۱۹۴۶م) فرستاد».

– درمان، نامه: «نخستین مجله تمام‌عیار پزشکی»؛
– در تهران چه خبر است «به عنوان دومین مجله توریستی شناخته شد»؛

– زبان زنان: «سومین نشریه برای خانم‌ها و اولین روزنامه که کلمه زن در عنوان آن وجود دارد».

– گل زرد: «یگانه نشریه‌ای که به زن‌های بی‌بضاعت در آیونمان سالانه تخفیف داده است! (قیمت هر شماره شش شاهی)».

– لحن: «مخفیانه توزیع می‌شد».

– مردان روز: «از جمله مطبوعات معدودی که اسامی اعضا هیأت تحریری خود را اعلام می‌داشتند».

در این قسمت هم چنین به نشریاتی که در خارج از کشور انتشار یافته‌اند اشاره می‌شود، مانند نشریه سودمند: «از مطبوعاتی که در خارج از کشور منتشر کرده‌اند».

دوره‌های انتشار

به این معنی که مثلاً نشریه چندی تعطیل بوده و بعد دوباره منتشر شده است، با عباراتی مانند: «سه دوره انتشار با فاصله»؛ «دو دوره انتشار»، «نامرتب».

اتفاقات مهم

به حوادث مهمی از قبیل زندان، قتل و یا اعدام مدیر که در سرنوشت نشریه نقش داشته به اختصار اشاره می‌شود: «توقیف»؛ «مدیر زندانی»؛ «خانه مدیر از طرف مخالفان سنگ‌باران شد و وی ناچار به عزیمت به تهران گردید.» (زبان زنان)؛ «مدیر در جریان انقلاب تبریز فلک‌شد» (مجاهد)؛ «در روز گلوله باران مجلس شورای ملی، دفتر این روزنامه نیز به گلوله بسته شد.» (صبح صادق).

محل انتشار

این نشریات در برخی شهرهای ایران، نظیر آبادان، اردبیل، اصفهان، اهواز، بروجرد، تبریز، تهران، سنندج، شیراز، قزوین، قصر شیرین، کرمان، لاهیجان، کرمانشاه، مشهد، یزد و ... و شهرهای کشورهای دیگر، مانند برلین، بمبئی، کلکته، سلطان‌آباد عراق و ... منتشر می‌گردیدند.

ذکر نشانی لازم نبوده، تکفروشی و اشتراک نیز گاهی تغییرات متعدد داشته و صفحات از ۴ صفحه و حتی یک ل تا ۲۴ و بیشتر مرتباً در نوسان بوده و قطع هم چنین بوده است.

چند نکته

– نشریه بهار خراسان که نام آن در راهنمای مطبوعات ایران عصر قاجار (۱۲۵۳ق/ ۱۲۱۵ش – ۱۳۰۴ش) تألیف سید فرید قاسمی آمده (ص ۳۹۳) در برزین نیست.
– مجله دارالفنون که به زبان ترکی است و میکروفیلم آن در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران وجود دارد در این فهرست نیامده است. (نک. محمدتقی دانش پژوه، فهرست میکروفیلم‌های کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ص ۱۷۹).

پیوست سوم

در پیوست سوم برزین اسامی ۵۱ نشریه موجود در کتابخانه پرنستون (امریکا) را که در آرشیو خود نداشته است یا اصلاً ندیده با ذکر شماره موجود و سال نشر آورده است. این نشریات را وی از هفده قسمت از سلسله مقالات اسماعیل جسیم که در مجله/ فصلنامه ره آورد (شماره‌های ۳ تا ۲۶) در تاریخ ۱۳۶۲ تا ۱۳۶۹ به چاپ رسیده استخراج کرده است که البته ناتمام است، چون از سال ۱۳۷۰ به بعد این نشریه را ندیده است.

برزین برخی از این نشریات را در فهرست خود آورده و بی‌هیچ توضیحی تنها به پیوست شماره ۳ ارجاع داده است، مانند: آهنگ جوانان. اما نام برخی از آنها را در فهرست نیاورده است، مانند پیکار اندیشه، تیزبین، پیام عراق، آهنگ شرق، تکنولوژی آموزشی، و یا آورده و ارجاع نداده است، مانند: آرم شرق.

فهرست اعلام

در این فهرست نام افرادی که در فهرست اصلی کتاب آمده و بیشتر شامل اسامی مدیران مسئول، صاحبان امتیاز و سردبیرهای نشریات است به صورت وارونه (شهرت + اسم کوچک) آمده است. اما در تنظیم این فهرست اشکالات خاصی وجود دارد که در زیر به آنها اشاره می‌شود:

– عناوین مانند آقا، استاد، اسقف، بانو، پروفیسور، حاج، حاجی، خان، دکتر، دوشیزه، سید، شیخ، مهندس، میر، میرزا حذف نشده است و همه جا قبل از اسامی آورده شده‌اند.

– برخی اسامی معلوم نیست بر چه اساسی وارونه شده‌اند، مثلاً نام میرزا محمد شریف معروف به ستوده (ص ۲۹۰) به صورت «صادق شریف، میرزا محمد» آمده است که کاملاً اشتباه است.
– از مستند اسامی مشاهیر و مؤلفان کتابخانه ملی استفاده نشده است، مانند «کسروی تبریزی، احمد»؛ «فروزانفر، استاد بدیع الزمان».

– از نظام ارجاعی استفاده نشده است، مثلاً نام میرزا سید محمد یوسف زاده ملقب به غمام همدانی به صورت «یوسف زاده غمام همدانی، سید محمد» آمده است و ارجاعی نیز برای آن وجود ندارد.

– به برخی القاب اشاره نشده است: مانند ابوالقاسم پروردین ملقب به مؤید الشریعه گیلانی، که در این فهرست نام او فقط به صورت «پروردین، ابوالقاسم» آمده است و از لقب او ارجاعی داده نشده است.

در پایان خاطر نشان می‌کنیم وجود نمایه‌هایی مانند نمایه محل انتشار، نمایه سازمان‌ها و ارگان‌ها و غیره نیز در چنین فهرستی بسیار لازم و ضروری است، زیرا به محققان برای بررسی سیر تاریخ مطبوعات شهرها و یا سازمان‌ها کمک می‌کند.

با این همه باید گفت کتاب حاضر با همه کم و کاستی‌هایش یک کتاب مرجع بسیار خوب و کاربردی در زمینه شناخت مطبوعات است و برای بررسی سیر تاریخ مطبوعات در ایران بسیار راهگشاست. تلاش مسعود برزین را در این راه ارج می‌نهمیم و امیدواریم کار بزرگ او تکمیل گردد و به همت او و دیگر فرهیختگان تا سال‌های پس از انقلاب نیز ادامه یابد.

چنانکه مسعود برزین نیز خاطر نشان کرده است، امید است با فهرست نویسی همه نشریات موجود در کتابخانه‌های تهران و شهرستان‌ها که برخی از آنها تک‌شماره هستند و یا تنها یکی دو نسخه از آنها در دست است و نیز همکاری بیشتر مسئولان کتابخانه‌ها و آرشیوهای بزرگ مطبوعاتی و دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی جهان که دارای مجموعه‌ای از مطبوعات ایران هستند امکان دسترسی به کلیه مدارک پیش از انقلاب اسلامی به زودی فراهم گردد.